

تبیین جامعه‌شناختی عوامل طرد اجتماعی زندانیان زن و اثر آن بر چرخه بازگشت به زندان (مورد مطالعه زندان‌های استان لرستان)

مجتبی روشن پور*

رضا علی محسنی**، حسین آقاجانی***

چکیده

مطالعه حاضر با هدف تبیین جامعه‌شناختی عوامل طرد اجتماعی زندانیان زن و اثر آن بر چرخه بازگشت به زندان در استان لرستان انجام گرفته است. روش تحقیق به صورت تلفیقی (کیفی-کمی) است. جامعه مورد مطالعه در بخش کیفی زنان زندانی بودند که ۸۱ نفر بودند. در بخش کمی نیز ۲۶۵ نفر از زنان زندانی مورد مطالعه قرار گرفتند. روش نمونه‌گیری در بخش کیفی به صورت هدفمند و در بخش کمی به صورت در دسترس بود. داده‌ها با ابزار مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته و پرسشنامه محقق‌ساخت گردآوری شدند. حجم نمونه بر اساس مقتضیات تحقیق کیفی (اشباع نظری) با مصاحبه از ۲۰ نفر از زنان زندانی به اتمام رسید و به صورت تحلیل تماتیک یا تحلیل مضمون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و در بخش کمی نیز تمام‌شماری صورت گرفت. در بخش کیفی در روند کدگذاری و تحلیل داده‌ها، ۴۷۶ مفهوم پایه استخراج شد. در مرحله بعد این مفاهیم در قالب ۲۰ مقوله سازمان‌دهنده دسته‌بندی شدند. این مقولات سازمان‌دهنده نیز با پالایش و غنی‌سازی به ۷ مقوله و مضمون عالی و فراگیر تبدیل شدند. در این روند، مقوله فراگیر با «ضعف مدیریت خانواده» با زیرمقولات «انحلال مرزهای خانوادگی، بی‌سامانی والدین،

* گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، A.rushanpoor@yahoo.com
** گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،
mohseni.net14@gmail.com

*** گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، aghajani@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۱۰

ضعف در تصمیم‌گیری؛ «منش تکامل نیافته» با زیرمقولات «جامعه‌پذیری ناقص، سرخوردگی عاطفی و نادیدگی زنانگی»؛ «وابستگی در هویت جنسی» با زیرمقولات «ازدواج مردانه و بحران جنسی»؛ «ضعف شبکه‌های درون‌گروهی» با زیرمقولات «مشارکت پایین، اعتماد پایین و ضعف بده‌بستان»؛ «زوال حریم شخصی» با زیرمقولات «نامنی در حفظ حریم شخصی و تحت کنترل بودن»؛ «نقش‌های جنسیتی» با زیرمقولات «انعطاف‌ناپذیری نقشی، تبعیض شغلی، اشتغال نامولد و نقش‌های تثبیت‌شده» و درنهایت، «فقدان هویت‌اثرگذار» با زیرمقولات «ناتوانی در تغییر وضع موجود، بی‌ارادگی و تقدیرگرایی» شناسایی و تحلیل شدند و سرانجام شبکه مضامین ترسیم شد. در بخش کمی، یافته‌های آزمون‌های آماری نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین طرد اجتماعی و بازگشت به زندان وجود دارد. فقط فرضیه "تفاوت معنادار بین نوع جرم و چرخه بازگشت به زندان مورد تایید قرار نگرفت" و بقیه فرضیات (سطح تحصیلات و بازگشت به زندان ۰/۴۰۲؛ اشتغال و بازگشت به زندان ۰/۱۳۴؛ تاهل و بازگشت به زندان ۰/۲۰۲؛ درآمد و بازگشت به زندان ۰/۳۱؛ سن و بازگشت به زندان ۰/۳۰؛ بین مدیریت خانواده و بازگشت به زندان ۰/۳۳؛ نقش‌های جنسیتی و بازگشت به زندان ۰/۳۷؛ هویت تکامل نیافته و بازگشت به زندان ۰/۳۰؛ مشارکت غیررسمی و بازگشت به زندان ۰/۳۹؛ هویت جنسی و بازگشت به زندان ۰/۳۴؛ حریم شخصی و بازگشت به زندان ۰/۳۰؛ هویت‌اثرگذار و بازگشت به زندان ۰/۳۶-) تایید شد.

کلیدواژه‌ها: طرد اجتماعی، زنان زندانی، مدیریت خانواده، هویت‌اثرگذار، نقش‌های جنسیتی

۱. مقدمه و بیان مسئله

آسیب‌های اجتماعی که به تعبیر بعضی از اندیشمندان حاصل و معلول مستقیم انقلاب صنعتی هستند، در اکثر جوامع وجود دارند و تأثیرات خود را می‌گذارند. اما آنچه جوامع مختلف را در این مورد از هم متفاوت می‌سازد، نوع نگرش به مسائل اجتماعی و راهکارهای مقابله با آنها است. در مورد راهکارهای اصلاح و بهبود آسیب‌های اجتماعی هم نظریه‌های مختلفی وجود دارد. عده‌ای روش انکار و پرده‌پوشی را تجویز می‌کنند و عده‌ای دیگر به روش‌های پلیسی و سرکوب اعتقاد دارند و البته جوامعی هم وجود دارند که به این مسائل نگرش علمی و منطقی دارند و سعی می‌کنند با قبول وجود این آسیب‌ها، علت آنها را با استفاده از روش‌های علمی بشناسند و برای حذف یا به حداقل رساندن آنها از روش‌های منطقی سود ببرند. این جوامع، از آن دسته جوامعی هستند که در آنها انباشت

علمی صورت گرفته و در ارتباط با فرهنگ‌های مختلف به سطحی از آگاهی رسیده‌اند که به حق آزادی و برابری انسان‌ها و حق برخورداری تمامی انسان‌ها از حقوق مادی و معنوی اعتقاد داشته باشند. اما همانطور که گفته شد برخی جوامع به روش‌های پلیسی و سرکوب اعتقاد دارند. مجازات حبس به عنوان یکی از این روش‌ها و به منزله یک مجازات اصلی، از نیمه دوم قرن ۱۸ به عنوان یک واقعیت گریزناپذیر در نظام‌های کیفری بسیاری از کشورها وجود دارد. هرچند در سیر تحول نظام مجازات شاهد تحولاتی در رویکرد به فلسفه مجازات حبس و چگونگی اجرای بهتر آن هستیم اما در بسیاری از کشورها همچنان مجازات حبس اصلی‌ترین راهکار مقابله با آسیب‌های اجتماعی و فرد مجرم است. اما اینکه این نوع مداخله برای اصلاح افرادی که مرتکب عمل مجرمانه شده باشند، محل تردید است؛ چرا که نتایج برخی از مطالعات عکس این موضوع را نشان می‌دهند و بیان‌کننده این هستند که نتایج حاصل از مجازات حبس، چندان با فلسفه‌ای که برای آن در نظر گرفته شده همخوانی ندارد (گودرزی، ۱۳۸۲؛ فیروزجائی، ۱۳۸۷). جامعه‌شناسانی چون دورکیم و مرتون، معتقدند «بزهکاری محصول شرایط اجتماعی است» (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۹۲: ۴۶۱).

آمارهای موجود نشان می‌دهند که «شیوع جرم در بسیاری از کشورها در حال افزایش است و همگام با آن، پدیده زنان زندانی رو به توسعه گذاشته است (موسوی و همکاران، ۱۳۹۶). «زنان زندانی به عنوان یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه شناخته می‌شوند» که زندانی بودن آنان می‌تواند اثرات روانی، فردی و اجتماعی مهمی بر روی این گروه‌ها داشته باشد. یکی از آثار منفی اجتماعی برای این گروه از زنان طرد اجتماعی است. (لاوسون و هیتون (Lawson and Heaton)، ۱۹۹۹)

طرد اجتماعی فرآیندی است که در نتیجه آن، گروه‌های اجتماعی و افرادی معین از اجتماع، طرد و به حاشیه رانده می‌شوند، لذا به سختی می‌توانند فرصت‌هایی برای بهبود شرایط خود پیدا کنند (بلیک مور (Blakemore)، ۱۳۸۵: ۱۳۶). طرد اجتماعی پدیده‌ای چندبعدی است و بر ابعادی چون فرآیند جدایی و گسست از بازار کار، اجتماعات و سازمان‌های اجتماعی (فیتزپتریک (Fitzpatrick)، ۱۳۸۳: ۱۳۸۱)، محرومیت از معیارهای زندگی استاندارد در دسترس اکثر افراد و فرصت‌های اجتماعی، محروم شدن از مشارکت در نهادهای اجتماعی و نقض حقوق انسانی و مدنی، عدم رضایت و عدم تعلق فرد به

اجتماعات هویت‌بخش، حس انزوای اجتماعی و مورد تبعیض ساختارهای رسمی، جامعه و دولت قرار گرفتن اشاره دارد.

طرد اجتماعی دارای پیامدهای مختلفی برای زنان با پیشینه حبس می‌باشد. بخشی از این پیامدها مرتبط با روابط اجتماعی فرد با اعضای شبکه درون‌گروهی و بین‌گروهی است؛ به این معنا که زنان مطرود چون سایرین، دارای دوست و همنشینی نخواهند داشت. به دلیل لطمه به وجهه و جایگاه‌شان، دیگران به آنها اعتماد نمی‌کنند و این عدم اعتماد به این زنان عزت نفس‌شان را دچار خدشه و آسیب جدی می‌کند. محرومیت‌های پیش‌آمده افراد را از منطقه امنی که تا پیش از این برای خود متصور بودند با چالش بسیار جدی مواجه می‌کند و در واقع اگر خوش بین باشیم این زنان به خانه‌نشینی و انزوا روی می‌آورند که این اتفاق موجب ابتلا به بیماری‌های روحی و افسردگی می‌شود و یا اینکه تصمیم به ترک محیط می‌گیرند و ترجیح می‌دهند در جایی سکونت داشته باشند که از این محرومیت‌ها برکنار باشند؛ در چنین حالتی ممکن است شاهد تجمیع گروهی از زنان زندانی باشیم که تجربه یکسانی از طرد اجتماعی را داشته‌اند و این حضور در کنار یکدیگر، زندگی مشترک و ناامیدی و حس بد نسبت به جامعه می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری اعمال مجرمانه بعدی گردد و در نهایت منجر به بازگشت مجدد به زندان گردد.

بررسی وضعیت زنان در جوامع مختلف نشان می‌دهد با وجود دستاوردهایی که در خصوص بهبود زندگی انسانها حاصل شده است، هنوز نشانه‌های محکمی وجود دارد که بیانگر فروتری منزلت اجتماعی زنان است و این جایگاه با پیشینه مجازات حبس تشدید هم می‌شود و باتوجه به فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر یک جامعه، طرد اجتماعی برای زنان می‌تواند پیامدهای زیان‌بارتری نسبت به مردان داشته باشد. (قاسمی نژاد، ۱۳۹۸: ۱۰).

در سالهای اخیر روندی افزایشی در جمعیت زندانیان جهان بخصوص در زنان مشاهده می‌شود که این زنگ خطری برای جامعه محسوب می‌شود «جمعیت زندانیان جهان بیش از ۱۰ میلیون نفر است که حدود یک میلیون نفر از آنان را زنان تشکیل می‌دهند» (عرشیا و مدیری، ۱۳۹۴) واحد طرد اجتماعی یکی از عوامل اصلی موجد طرد را سابقه حضور در زندان می‌داند. آمار و اطلاعات بیانگر این است که در ایران نیز تعداد زنان محکوم به حبس روند افزایشی داشته است. این روند افزایشی از سال ۱۳۷۰ به بعد شتاب بیشتری داشته است. به نحوی که شمار زنان زندانی طی پانزده سال از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۴ دو برابر شده در حالی که در سال‌های بعد تعداد زندانیان زن طی پنج سال از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ نزدیک

تبیین جامعه‌شناختی عوامل طرد اجتماعی زندانیان زن و اثر آن بر ... ۵

به دو برابر شده‌اند (جربانی، ۱۳۸۹). در ایران «میزان تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان - های کشور در سال ۱۳۸۹، ۳۰٪ اعلام شده البته این رقم به دلایل مختلف کمتر یا بیشتر از میانگین تکرار جرم کشوری می‌باشد» (دفتر آمار رایانه سازمان زندانها). «آمارها حاکی از آن است که اکثریت افرادی که یک بار زندانی می‌شوند، بازگشت آنها به جامعه مشکل شده و مجدداً دچار بزهکاری می‌شوند و به زندان بر می‌گردند و این میزان در بین زنان بیشتر از مردان می‌باشد» (مهدوی، ۲۰۰۸؛ طغرل‌انگار، ۱۳۸۷؛ قلخان‌باز، ۱۳۹۱).

استان لرستان از تراکم جمعیت کیفری بیش از پنج هزار زندانی برخوردار است و باتوجه به اینکه استان لرستان یکی از استان‌هایی است که بالاترین نرخ بیکاری را در کشور داشته (مرکز آمار و اطلاعات راهبردی، ۱۳۹۳)، لذا این آمار نگران کننده به نظر می‌رسد. بنابراین این مطالعه قصد دارد به تبیین جامعه‌شناختی عوامل موثر بر طرد اجتماعی زنان زندانی استان لرستان و چرخه بازگشت مجدد این زنان به زندان بپردازد. برای دستیابی به این هدف تلاش شده است که با استفاده از روش ترکیبی کیفی - کمی به اطلاعات دسته اول و راه‌گشایی دست یافت که بتواند عوامل مختلف در این فرآیند را تبیین نماید؛ بنابراین سوال اصلی مطالعه حاضر این است که عوامل اجتماعی موثر بر طرد اجتماعی زنان زندانی در استان لرستان کدامند و آیا این عوامل طردکننده بر بازگشت مجدد آنان به زندان به چه میزان موثر هستند؟

۲. پیشینه پژوهش

هر مطالعه‌ای در پیوستاری قرار می‌گیرد. به این معنا که از تحقیقات پیشین تاثیر می‌پذیرد و به تبع نیز بر تحقیقات بعدی تاثیر می‌گذارد. این مطالعه نیز از این قاعده مستثنی نیست. از این‌رو، در ادامه به ارائه مطالعاتی از سوی محققان داخلی و خارجی می‌پردازیم.

جدول شماره ۱- مطالعات انجام شده داخلی

ردیف	عنوان و (محقق / محققان)	روش	یافته‌ها و نتایج
۱	نقش عوامل خانوادگی و اجتماعی در بازگشت مجدد زندانیان به زندان محقق/ محققان: (یعقوبی و علمی ۱۳۹۵)	کمی جامعه آماری: کلیه زندانیانی که بیش از یک بار با ارتکاب جرایم به زندان تبریز معرفی شدند که تعدادشان در زمان مطالعه ۱۶۰ نفر بود. حجم نمونه: ۱۲۰ نفر	حمایت و توجه خانواده و پذیرش در جامعه بدون هرگونه برچسب با مهارت شغلی مناسب موجب حضور معنادار در جامعه می‌شود و از طرفی احتمال بازگشت مجدد به زندان را کاهش می‌دهد.

	شیوه نمونه‌گیری: تصادفی ساده ابزار گردآوری داده: کتاب و مقاله و پرسشنامه		
۲	کمی جامعه آماری: زنان و دختران بازداشتی در بازداشتگاه‌های نیروی انتظامی شهرستان کرمانشاه حجم نمونه: آماری این پژوهش زنان و دختران بازداشتی در بازداشتگاه‌های نیروی انتظامی شهرستان کرمانشاه بوده و شیوه نمونه‌گیری: تمام‌شماری، ۴۲ نفر. ابزار گردآوری داده: پرسشنامه	تاثیر طرد اجتماعی بر تکرار جرم زنان پس از آزادی از زندان محقق / محققان: طاهره وروایی و اکبر وروایی ۱۳۹۵	
۳	کمی جامعه آماری: دانشجویان دختر دانشگاه یزد حجم نمونه: ۱۰۰ نفر شیوه نمونه‌گیری: تصادفی ساده ابزار گردآوری داده: پرسشنامه	بررسی رابطه طرد اجتماعی و بزهکاری در میان دانشجویان دختر دانشگاه یزد محققان: زارع شاه آبادی و بلگوریان (۱۳۹۳)	
۴	کیفی جمعیت مورد مطالعه: دختران مجرد روستای چکوچه رضوان‌شهر گردآوری اطلاعات: مشاهده مشارکتی و مصاحبه های نیمه سازمان یافته فردی تحلیل داده‌ها: نظریه مبنایی	طرد اجتماعی دختران روستایی مجرد محقق: زهرا فرضی زاده (۱۳۹۳)	
۵	کمی (توصیفی - تحلیلی) جامعه آماری: زندانیان شهرستان تویسرکان که ۲۴۷ نفر بودند. حجم نمونه: ۹۳ نفر شیوه نمونه‌گیری: تصادفی ابزار گردآوری داده: داده‌ها براساس چک‌لیست مشتمل بر اطلاعات دموگرافیک، رفتاری و مربوط به جرم جمع‌آوری گردید.	عوامل مرتبط با تکرار زندانی شدن در بین زندانیان شهر تویسرکان محققان: قلیخان‌باز و همکاران (۱۳۹۱)	

جدول شماره ۲ - مطالعات انجام شده خارجی

ردیف	عنوان (محقق / محققان)	روش	یافته‌ها
۱	اشتغال، آموزش و طرد اجتماعی: تجزیه و تحلیل وضعیت زندانیان گالیسا محققان: ماریا بارنو گن و ایزابل نو کورتی (ISABEL NOVO CORTI) و ماریا رامل دیاز (MARIA RAMIL DIAZ) (۲۰۱۳)	کمی حجم نمونه: ۴۱۴ نفر	یافته‌ها بیانگر این است که نگرش مربوط به سطح تحصیلات و آموزش افراد زندانی و شبکه‌های اجتماعی آنها یا با آگاهی از وضعیت فعلی افراد در میزان ادغام در جامعه تاثیر دارد.
۲	ورود مجدد و روابط بهم پیوسته: بررسی روابط اجتماعی، اشتغال و تکرار جرم محققان: برگ و هوبنر (۲۰۱۱)	کمی حجم نمونه: ۴۰۱ نفر	یافته‌ها نشان می‌دهد که روابط خانوادگی بر هر دو جنبه تکرار جرم و دستیابی به شغل تاثیر دارد. در واقع نتایج این مطالعه بیانگر این است که ارتباطات اجتماعی با کیفیت به خصوص برای مردان بدون سابقه اشتغال بسیار مهم است تا به عنوان عاملی که مانع تکرار جرم و بازگشت به زندان است، عمل نماید.
۳	پیوند اجتماعی افراد زندانی و گذار به جامعه. آیا ملاقات زندانیان، تکرار جرم را کاهش می‌دهد؟ محققان: بیلز و میرز (۲۰۰۸)	کمی حجم نمونه: ۷۰۰۰ نفر	ملاقات افراد زندانی و در واقع برقرار نگه داشتن پیوند با اطرافیان، تکرار جرم را کاهش می‌دهد و آن را با تأخیر همراه می‌سازد.
۴	تاثیر توجه زندانیان به خانواده در پیامدهای ورود مجدد به جامعه محققان: اسمیت و مک‌کارتی (۲۰۱۶)	کمی حجم نمونه: ۳۸۴۹ نفر	زندانیانی که روابط خانوادگی را بهبود می‌بخشند و از حوزه خانواده طرد نمی‌شوند، به طور قابل توجهی کمتر در معرض مجازات مجدد قرار می‌گیرند و احتمال پذیرفته شدن در جامعه و یافتن شغل بالا می‌رود.
۵	فراتر از نیازهای ابتدایی: حمایت اجتماعی و ساختار برای بازگرداندن موفق مجرمین محققان: دنی، ریچارد و ریچارد جونز (Denney, Richard & Richard Jones) (۲۰۱۴)	کیفی انجام مصاحبه با ۱۹ نفر	نیاز یک مجرم سابق به حمایت اجتماعی در جامعه انکارناپذیر است. در میان اشکال مطلوب ابراز شده از حمایت اجتماعی، پرورش برای هدایت آنها در تصمیم‌گیری روزمره، برگزاری جلسات با همسالان و به اشتراک گذاشتن تجربیات و سیستم پشتیبان که مسئول پاسخگویی به آنها در مورد سبک زندگی و رفتارشان باشد، از همه مهم‌تر و برجسته‌تر بود.

۳. چارچوب نظری

مفهوم طرد اجتماعی به عنوان نتیجه گسیختگی در روابط اجتماعی و فقدان نهادهای ادغام گر، ریشه در نظریه اجتماعی دورکیم دارد. (کوزر، ۱۳۹۳: ۲۱۴). به زعم دورکیم، بحران

جامعه جدید همانا از هم پاشیدگی اجتماعی و ضعف پیوندهایی است که فرد را به گروه مربوط می‌کند. (آرون، ۱۳۹۱: ۳۸۵). گیدنز طرد اجتماعی را ناشی از شیوه‌هایی می‌داند که طی آن‌ها، افراد از مشارکت کامل در جامعه بزرگتر محروم می‌شوند. (گیدنز، ۱۳۸۶: ۴۳۱ و ۴۶۱).

زیرا معتقد است شکست در یک قلمرو اجتماعی به طرد نمی‌انجامد. بلکه تعدد شکست‌ها و نقص‌ها است که می‌تواند منجر به طرد اجتماعی گردد. وی نقطه مشترک اشکال طرد را «گسستگی» فرد از روابط اجتماعی می‌داند. از نظر او، گسستگی در پیوند اجتماعی و نیز در پیوند سمبولیک که هر فرد را در موارد عادی به جامعه‌اش مرتبط می‌سازد، وقتی رخ می‌دهد که فرد از یکی از قلمروهای اجتماعی طرد شده و تمام روابطی را که او را متصل با دیگران و و هنجارهای مشترک نگه می‌دارد، از دست می‌دهد. (زیرا، ۱۳۸۵: ۲۱-۲۲). از دو رویکرد اصلی به‌عنوان چارچوب نظری استفاده می‌شود. این دو رویکرد با تاکید بر هویت، جنسیت و شبکه‌هایی که زنان به‌مثابه کنش‌گران اجتماعی در آنها فعال هستند، می‌تواند فرضیات تحقیق را حمایت و پیشبینی کند.

۴. رویکرد شبکه اجتماعی و طرد اجتماعی

در این دیدگاه، طرد اجتماعی با مشخصه‌های ویژه نوع و ساختار شبکه گروهی مرتبط است. فرض کلی این است که میزان نزدیکی یا تجانس می‌تواند چیزی درباره جای‌گیری فرد در گروه بگوید، بنابراین از خطر احساس طرد نسبت به آن گذر کند؛ اینگونه که با تکمیل شناخت اعضای گروه از هم دست یابند و نسبت به شناخت گروه قومی و ساختار و هنجارهای آن به یک شناختی برسند و به آن شناخت باور داشته باشند احتمال بوجود آمدن احساساتی همچون طرد، انزوا و مسائلی از این قبیل کاهش می‌یابد.

بنابراین، در این رویکرد

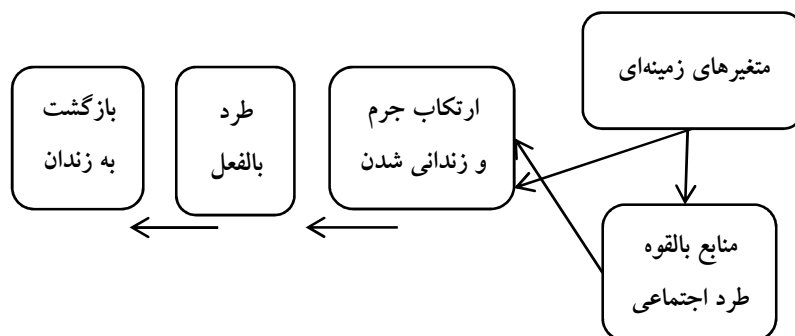
مهمترین ویژگی هر اجتماعی، وجود کنش و برهم‌کنش‌های چندجانبه و دائمی میان اعضای آن است. اعضا از طریق کنش‌های اجتماعی حمایت می‌شوند تا در میدان رقابت‌ها و رفاقت‌ها فعالانه مشارکت کنند و در فرآیند شمول اجتماعی به بهبود اوضاع جامعه کمک کنند. در مقابل، هر زمان که روابط افراد با گروه‌های اجتماعی آسیب ببینند، پیوندها گسسته و فاصله و جدایی اجتماعی پدید می‌آید و گروهی از اجتماع و جامعه طرد و از بسیاری امتیازها و حقوق انسانی محروم می‌شوند. این‌گونه گسستن پیوندهای

اجتماعی ممکن است داوطلبانه و آگاهانه به دنبال ایجاد تمایز باشد و یا اجباری و ناآگاهانه صورت گیرد و به یکی از دو نوع طرد (اختیاری و اجباری) منجر گردد (رابرتسون، ۱۳۷۲).

۵. رویکرد هویت جنسیتی و طرد اجتماعی

به باور بسیاری از صاحب‌نظران، هویت و هویت جنسیتی، یک اصل سازمان‌دهی در همه سیستم‌های اجتماعی از جمله خانواده است و موقعیتی کانونی دارد. کلتران معتقد است روابط جنسیتی و زندگی خانوادگی، به گونه‌ای در هم تنیده می‌شوند که درک و بررسی یکی، بدون توجه به دیگری غیرممکن است. فرری و همکاران استدلال می‌کنند که هویت و هویت جنسیتی در فرایندی مستمر ساخته می‌شوند. به زعم تامپسون نقش‌ها در زمینه خاصی مانند زناشویی یاد گرفته می‌شوند (رودگر، ۱۳۸۸). جنکینز همچنین به مقوله جنسیت نیز توجه نشان داده است. از نظر او جنسیت به تجربه فرد سامان می‌دهد و آن را در خویشتن ادغام می‌کند. به علاوه جنسیت آشکارترین وجه هویت فردی است که در تعامل با دیگران ساخته می‌شود و قطعاً هویتی جمعی نیز هست، با این وجود وی عقیده دارد که عناصری چون جنسیت بیشتر از بیرون تعریف می‌شوند تا درون و انعطاف‌پذیری کمتری دارند، چرا که جنسیت هویتی است که به صورت جمعی-ملی، در فرآیند اجتماعی شدن به کودک منتقل می‌شود و کودک به علت تجارب کمی که دارد توان مقاومت در مقابل آن را ندارد، بنابراین دیالکتیک گاهی می‌تواند یک سویه تر باشد. او پیرو همین مسأله در مورد زنان معتقد است که هر چه آنها مشارکت بیشتری در عرصه‌های مختلف کنند و منابع هویت سازشان بیشتر شود (منابع مادی، فرهنگی، ارزشها و نگرشها) توانایی مقاومت بیشتری در برابر این هویت‌های بیرونی خواهند داشت (محمدی، ۱۳۸۵). شناخت خود و هویت خود در جامعه مدرن به صورت پروژه‌ای بازاندیشانه درآمده است و دیگر زن یا مرد بودن از نظر هویت و وظایفی که ایجاب می‌کند، معنای روشن و مشخصی ندارد. همین امر، انتظارات زوجین از همدیگر را از حالت از پیش تعیین شده خارج کرده و در زمینه برآوردن انتظارات، آنها را با ابهامات اساسی روبه‌رو کرده است. این وضعیت رابطه زناشویی، خانواده امروزی را با مسائلی روبه‌رو کرده است که از لحاظ کمی و کیفی با مسائل موجود میان نسل‌های قبلی متفاوت است (گیدنز، ۱۳۷۶).

۶. مدل نظری تحقیق



نمودار ۱- مدل نظری پژوهش

۷. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر روشی ترکیبی است. روش تحقیق به صورت تلفیقی (کیفی-کمی) است. جامعه مورد مطالعه در بخش کیفی زنان زندانی بودند که ۸۱ نفر بودند. در بخش کمی نیز ۲۶۵ نفر از زنان زندانی مورد مطالعه قرار گرفتند. روش نمونه‌گیری در بخش کیفی به صورت هدفمند و در بخش کمی به صورت در دسترس بود. داده‌ها با ابزار مصاحبه نیمه-ساخت یافته و پرسشنامه محقق‌ساخت گردآوری شدند. حجم نمونه بر اساس مقتضیات تحقیق کیفی (اشباع نظری) با مصاحبه از ۲۰ نفر از زنان زندانی به اتمام رسید و به صورت تحلیل تماتیک یا تحلیل مضمون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و در بخش کمی نیز تمام‌شماری صورت گرفت.

۸. یافته‌های تفسیری

می‌توان تحلیل داده‌ها را در قالب جدول زیر اینگونه تشریح کرد:

جدول ۵- روند تحلیل داده‌ها

مرحله اول	ساخت و تدوین مقوله‌های اولیه	این مقوله‌ها از طریق فرآیند کدبندی متعارف ساخته می‌شوند، در ابتدا مفاهیم اولیه و سپس مقوله‌های اساسی (کدبندی متمرکز) شکل می‌گیرند.	مفاهیم اولیه
مرحله دوم	گروه‌بندی مقوله‌ها در سطوح بالاتر انتزاع	مقوله‌های اولیه و پایه را مجدداً بر اساس منطقی مقایسه معنایی به سطوح بالاتری از انتزاع ارتقاء می‌دهیم.	مقولات سازمان‌بخش
مرحله سوم	کشف معانی و تم‌های زیرین	آماده‌کردن گزارش تحقیق اختصاص دارد. استخراج مضامین از سطوح پایه تا انتزاع مضامین پوشیده‌تر، با عنوان مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر انجام می‌شود.	مقوله همپوشان

در مجموع، در روند کدگذاری و تحلیل داده‌ها، ۴۷۶ مفهوم پایه استخراج شد. و در مرحله بعد این مفاهیم در قالب ۲۰ مقوله سازمان‌دهنده دسته‌بندی شدند. این مقولات سازمان‌دهنده نیز با پالایش و غنی‌سازی به ۷ مقوله و مضمون عالی و فراگیر تبدیل شدند. در نهایت، این مقولات و مضامین فراگیر هستند که در بخش کمی در قالب فرضیه درآمده و مورد سنجش و آزمون قرار می‌گیرند.

۱.۸ مقوله فراگیر: هویت اثرگذار

هویت نقش اساسی در سازگاری و قدرت اثرگذاری زنان در روابط بین فردی و اجتماعی ایفا می‌کنند. هویت و هویت جنسیتی اثرگذار، یک اصل سازمان‌دهی در همه سیستم‌های اجتماعی از جمله خانواده است و موقعیتی کانونی دارد که زنان مورد مطالعه ما در اکثر موارد فاقد آن به صورت مطلوب هستند. این خدشه وارد شده بر هویت زنان از یک سو، به دلیل فقدان فرصت‌های اجتماعی پیش‌رو است و از سوی دیگر، به‌خاطر عدم برعهده گرفتن نقش‌زن‌بودن و مادر بودن در شرایط خاص خود است.

مفاهیم پایه	مقولات انسجام بخش	مقوله فراگیر یا همپوشان
نمیشه کاری کرد- این وضع بدبختی و گرفتاریه- وضع خرابه- مگه چکار میتونم بکنم- سخنه از این وضع خلاص شد.	ناتوانی و تسلیم در تغییر وضع موجود	پفقدان هویت اثرگذار
فکرکردی میشه هرکاری کرد- اسیر و گرفتار یه عده ای شدن- فکر کنی چیزی نیستی- همه چی علیه توه- کم میاری و نمیتونی چکار کنی- فکر میکنی یه موجود بی اراده ای- نمیدونم کی هستم- حس مبارزه با این وضع رو ندارم.	بی ارادگی	
زندگی همینه- زنا این جورین- سرنوشت منم همینه- من این روزگار رو قبول کردم- ما نسل در نسل خیر ندیدیم- مه تولم سیه ۱	تقدیرگرایی	

۲۸ مقوله فراگیر: نقش‌های جنسیتی

سنت‌ها با پایه‌های عمیقی که در زندگی روزمره دارند، نقش‌های جنسیتی خاصی را طلب می‌کنند و باعث حصر فرد در نقش‌های موردنظر می‌شوند. این وضعیت در جوامع سنتی‌تر و نظام اجتماعی تبارمحور، موجودیت بیشتری دارد. زنان در جوامع سنتی‌تر عمدتاً با نقش‌های قالبی که در آن قرار می‌گیرند، به‌مثابه یک حقیقت تثبیت شده روبرو می‌شوند. این چارچوب هرچند ساخته و پرداخته جامعه است و از قوانین طبیعی تبعیت می‌کند، به صورت حقیقتی مطلق فرض می‌شود که یک معنا بیش ندارد و آن چیزی جز ضعیف‌بودن زن نیست. در بین زنان مورد مطالعه این وضعیت قالب در کنار فشارهای اجتماعی ناشی از پدرسالاری، نقش‌های تثبیت‌شده منجر به فرار از وضع موجود شده است. زمانی که انتظارات و آرزوهای خود را در نظم نقشی موجود نمی‌یابند آثار این وضعیت به صورت دلزدگی، تضاد، بحران معنا و طرد خود را نشان می‌دهد.

مقوله ضامین فراگیر یا همپوشان	مقولات انسجام بخش	مفاهیم پایه
نقش‌های جنسیتی	اشتغال نامولد و بی اثر	به سری کارهای مسخره انجام میدم - کارهای ما زنا الکیه - کارت باید تو دید باشه - سود کار به خودت نمیرسه - باید برا بقیه کار کنی
	انعطاف ناپذیری نقشی	کار باید تنوع داشته باشه - کار تکراری آدم رو خرفت میکنه - هر روز به سری کارهای خاص - از کارهای خونه تنفر دارم - اگه مثل .. کار نکنی میگن طرف بی عقله
	تبعیض شغلی	کار ما بیچه داری و بساب و بشوره - باید به سری کارهای خاص انجام بدی - آخرش به خانه داری میرسی چون زنی به حقت نمیرسی - باید کارای دست دوم انجام بدی
	نقش‌های تثبیت شده	نمیتونی کار مورد علاقت رو پی بگیری - باید علاقت رو فدای خودخواهی بقیه کنی - هزار ساله زنا به سری شغل‌های ثابت داشتن - میگن زن باید سرش تو لاک خودش باشه

۳۸ مقوله فراگیر: زوال حریم شخصی

امروزه زنان شخصیت وجودی خود را نه از طریق ایدئولوژی تأهل و مادر بودن و یا نقش‌های تثبیت شده دخترانه و زنانگی، بلکه با اتکاء به سرمایه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و طبیعی خود به دست می‌آورند. در نتیجه به جای دنباله‌روی و تبعیت از سنت، خود ناگزیر از ارزیابی، انتخاب و تصمیم‌گیری است، امری که او را هرچه بیشتر به کنش‌گری جانبدار و هدفمند بدل می‌سازد که انتخاب می‌کند، کنار می‌گذارد، برای خود اهداف دارد و به‌مثابه سوژه تحت سلطه و کنترل‌پذیر نیست. تحدید خود و دیگران و تمایزیابی به او هویت و سامان وجودی می‌دهد و هرگاه این حریم با بی‌حرمتی و مخاطره روبرو شود، واکنش نشان داده و می‌تواند به صورت «خودحاشیه‌سازی» بروز کند.

مفاهیم پایه	مقولات انسجام بخش	مقوله فراگیر یا همپوشان
کسی به حوزه شخصیت احترام نمی‌داده - همه میخان بدونن چکار میکنی - بخاطر کارهای شخصیت باید به بقیه جواب بدی - برا خودت نمیتونی باشی - چیزی برا خودت نمیمونه - انگار نه انگار حس و حال خودت رو داری -	نامنی در حفظ حریم شخصی	زوال حریم شخصی
دنبالت میکنن - باید به همه جواب بدی کجا بودی - تا میری بیرون همه میدونن کجا بودی - دائم زیر ذره بینی - کنترل میشم -	حس تحت کنترل بودن	

۴.۸ مقوله فراگیر: ضعف شبکه‌های درون گروهی

مفاهیم پایه	مقولات انسجام بخش	مقوله فراگیر یا همپوشان
تو در و همسایه فعالیت زنان کمه - مشارکت فقط شده حرفای زنانه در کوچه - من ندیدم زنا جمع بشن و کاری نکنن - فقط چمر و چوبی ۲ زنا کمک میکنن -	مشارکت غیررسمی کم	ضعف شبکه‌های درون گروهی
کسی زیاد اعتماد نمیکنه - باید خیلی تلاش کنی تا اعتماد کسی را کسب کنی - فقط میشه با اقوام درجه یک ارتباط گرفت - فکر میکنن میخای سرشونو کلاه بذاری - براحتی پشت سرت حرف در میارن - بری خونه همسایه میگن زن بدکاره شده -	اعتماد پایین	
چیزی بدی رفته - به عده فقط به فکر خودشونن - مثل قبل قاسمسا ^۳ بیست - روابط شده فقط در مواقع ضروری - در حالت عادی کسی به کسی سر نمیزنه -	ضعف بده و بستان	

روابط ضعیف و فقدان شبکه‌های اجتماعی درون‌گروهی قوی در بین زنان مورد مطالعه منجر به روزمرگی و تنش در ساختارهای ذهنی آنها شده و افزون بر اینکه روابط چندگانه نامنظم بین اعضای گروه زنان ایجاد می‌کند، داد و بستان را ضعیف و اعتماد بین‌فردی را کاهش داده است.

کمک مستقیم و غیرمستقیم زنان پیوندهای ضعیف را کاهش و شکل‌دهی به زیرشبکه‌های مجزا را تقویت می‌کند و در رفع نیازهای آنها موثر می‌افتد. از این طریق نظامی شکل می‌گیرد که به مثابه یک سرمایه اجتماعی، کمیت و کیفیت و چگونگی روابط در شبکه‌هایی

را به روی افراد بسته و باز می‌کند به طوری که شاخص انسجام محلی و درون‌گروهی و انسجام کل را به طور مجزا در شکل‌دهی به روابط و انتقال اطلاعات مطرح می‌کند.

۵.۸ مقوله فراگیر: وابستگی در هویت جنسی

زنان مورد مطالعه به دلیل نوع ساختار حاکم بر جامعه لرستان (سستی و مبتنی بر تبار)، در میان گروه‌های مختلف اجتماعی، به‌ویژه در مقایسه با مردان از منابع لازم برای معنابخشی، تعریف و بازاندیشی خود در حوزه جنسی و روابط حاکم بر آن برخوردار نیستند تا از طریق آن جایگاه خود را (به‌مثابه ابژه جنسی نه سوژه) در جامعه ارتقاء دهند، چرا که این منابع تحت الشعاع جنسیت و یا خاستگاه اجتماعی و طبقاتی همسران و پدران‌شان قرار گرفته و همواره با خاستگاه‌هایی در ارتباط بوده که هژمونی مردسالارانه بر آن حاکم بوده است. از این‌رو، هویت جنسی و نوع مواجهه با آن امری اساسی است که بر اساس آن، جایگاه، منزلت و فرصت‌های ارتقاء زنان را نادیده گرفته و در عوض به منبع اقتدار برای مردان تبدیل شده است.

در واقع، به دلیل شدت و استحکام ارتباطات سستی در جامعه مورد مطالعه از یک سو و نیز میدان‌های اجتماعی مشترک کم (ضعف شبکه‌های اجتماعی درون‌گروهی که به آن اشاره شد) در میان زنان از سوی دیگر، درگیری و مطالبه مشترک در خصوص فعالیت‌های یکسان (در اینجا هویت جنسی) به امری ثانویه و کم‌رنگ تبدیل شده است که با مرور زمان به دلیل تنه‌نشست‌های ناشی از نارضایتی‌های فروخورده به منبع کناره‌گیری و طرد اجتماعی زنان مبدل شده است. به این اعتبار، هویت جنسی به عنوان مهمترین نیاز زیستی و انسانی زنان، روابط اجتماعی زنان اعم از روابط معادلاتی، روابط عاطفی، روابط ابزاری، روابط اقتدار و روابط سببی و خویشاوندی، روابط ارتباطی و روابط درون‌گروهی زنان را کاهش داده است و طرد آنها را رقم زده است. در مواردی زنان با خارج شدن از روابط متعارف با طرد وجودی رویرو شده‌اند.

مقاله فراگیر یا همپوشان	مقولات انسجام بخش	مفاهیم پایه
وابستگی در هویت جنسی	ازدواج مردانه	باید حتما ازدواج کنی - بدون شوهر یا کسی حرف بزنی انگ بد میخوری - احساسات زن مهم نیست، فقط با مرده - تو ازدواج مرد در اولویته -
	محرومیت جنسی	مثل مرده تا قبل ازدواج نمیتونی کاری کنی - دختر هم نیاز جنسی داره - آثار روابط جنسی دختر با پسر زیاد - آگه دستت به ازدواج نرسه، باید خلاف کنی - عمری ناکامی جنسی آدم رو نابود میکنه

۶۸ مقوله فراگیر: هویت (منش) تکامل نیافته (ناقص)

زنان در اغلب دوره‌های تاریخی صرف نظر از اینکه متعلق به چه قوم، قشر و یا گروهی بوده‌اند، در سلسله مراتب ساختاری و در سازماندهی جامعه در مقایسه با مردان، جایگاه و منزلت فروتری داشته‌اند. این امر منجر به خلل در فرایند تکامل و شخصیت پایدار در بین آنها می‌شود. در بین زنان مورد مطالعه این وضعیت در سطوح و عمق متفاوتی دیده می‌شود که در اینجا آن را «هویت و یا منش تکامل نیافته و ناقص» می‌نامیم. درمیان آنها حس درج‌زدگی و یک نواختی نسبت به زندگی را ایجاد کرده‌است. زنان، زندگی خود را همانند زندگی کودکی فرض می‌کنند که دائماً نیازمند رشد و نظارت دیگران است، همه نگران او شده و فکر می‌کنند که تکامل نیافته و بزرگ نشده‌اند.

مقاله فراگیر یا همپوشان	مقولات انسجام بخش	مفاهیم پایه
هویت (منش) تکامل نیافته (ناقص)	سرخوردگی عاطفی	مثل بچه‌ها بات رفتار میکنن - برای کارها ساده یکی باید امر و نهیت کنه - از نظر فکر دست کم میگیرن - بهت میگن ضعیفه - هزار بار تو خونه بهم گفتن کم عقل - میگن توزنی و زنا کم دارن

	نادیدگی زنانگی	کسی به دردلت گوش نمیکند- میگوین زن نباید زیاد حرف بزنه- تو کارای خونه کسی نظرت رو نمبخاد- تو تصمیمات دخالت نداری- حرفت برو نداره
	جامعه‌پذیری ناقص	از بچگی میگوین دختر نمیتونه- تو خونواده زنو از همه چی دور نگه میدارن- آموزش درست ندیدیم- به ما یاد داده شده که فقط توخونه بمونیم- من که بد عادت شدم- ترس از اینکه به کسی اعتماد کنی

۷.۸ مقوله فراگیر: ضعف مدیریتی خانواده

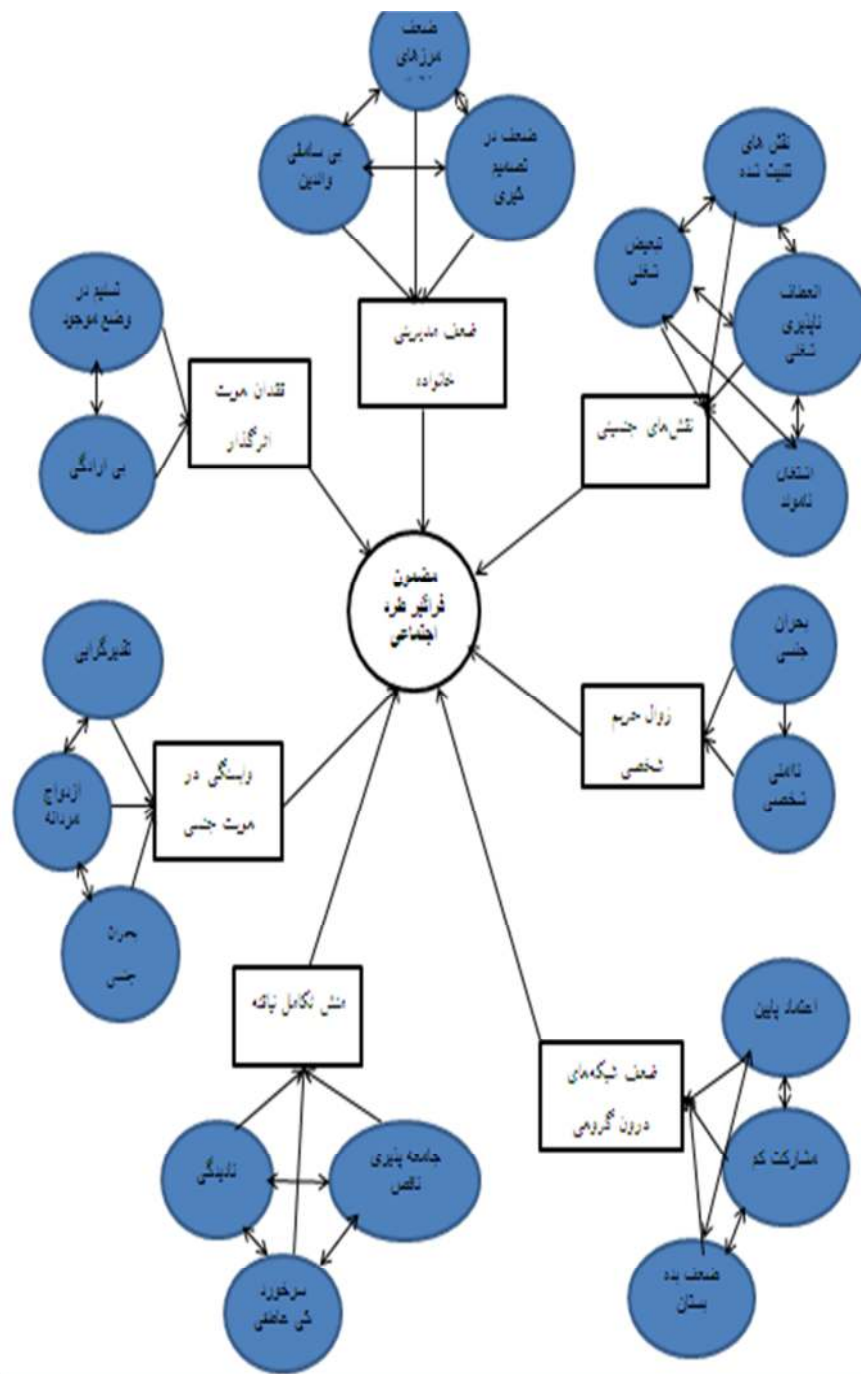
در بین اعضای خانواده معمولاً شیوه‌های مختلفی از تصمیم‌گیری دیده می‌شود. از سبک‌های اقتدارگرایانه تا سبک‌های آسان‌گیر و همچنین از ترغیب، تحریک، اجبار و هدایتی نیز می‌توان نام برد. در مجموع، با توجه به طبقه، شیوه زیست، درآمد و غیره شکل‌های مختلفی از سبک مدیریتی دیده می‌شود. در بین افراد مورد مطالعه سبک مدیریتی خانواده به‌عنوان مفهومی فراگیر دیده می‌شود که ذیل مقوله «ضعف مدیریتی خانواده» تعریف می‌شود. فروپاشی بنیان تصمیم‌گیری به دلیل انحلال مرزهای خانوادگی و نیز بی‌سامانی والدین منجر به «الگوی هر کسی برای خود» شده است. در این وضعیت زنان و دختران به دلیل نداشتن تکیه‌گاه و قدرت حمایتی سعی می‌کنند که به درون خود و کناره‌گیری پناه ببرند.

مقوله فراگیر یا همپوشان	مقولات انسجام بخش	مفاهیم پایه
ضعف مدیریتی خانواده	انحلال مرزهای خانوادگی	خانواده باید به دست باشه- بی حرمتی بهم زیاد میشه- برادرام دعوا میکردن- هر کی رفت سراغ کار خودش - کسی از کسی خبر نداره- فقط ما دخترا موندیدم خونه- ازدواج ناموفق- اعتیاد بعضی اعضا خانواده
	بی‌سامانی والدین	پدرم زورش به کسی نمیرسید- پدرومادرم نمیدونن چنتا بچه دارن!- بیوگی همه چی رو بهم ریخت- فوت والدین
	ضعف در تصمیم‌گیری	هرکی ساز خودش رو میزنه- برا یه کار ساده هزاربار دعوا میشه- باید یکی باشه حرف آخرو بزنه- کسی حرف کسی رو قبول نمیکند- خانه باید بالاسری داشته باشه

جدول ۷- عوامل اساسی طرد اجتماعی زنان زندانی بر اساس یافته های کیفی

مقوله	ابعاد	عامل طرد
ضعف مدیریتی خانواده	انتحلال مرزهای خانوادگی	برونی و ناشی از بی‌سازمانی نهادی
	بی‌سامانی والدین	
	ضعف در تصمیم‌گیری	
هویت (منش) تکامل نیافته (ناقص)	جامعه‌پذیری ناقص	درونی و برونی و ناشی از درک نامتناسب از ظرفیت‌های خود و جامعه
	نادیدگی زنانگی	
	سرخورده‌گی عاطفی	
وابستگی در هویت جنسی	ازدواج مردانه	برونی و ناشی از نابرابری‌های مردسالارانه
	بحران جنسی	
ضعف شبکه‌های درون‌گروهی	مشارکت غیررسمی کم	برونی و ضعف در مشارکت و تعریف خود در گروه‌های همسود
	اعتماد پایین	
	ضعف بده و بستان	
زوال حریم شخصی	ناامنی در حفظ حریم شخصی	برونی و ناشی از استعمار خانوادگی و مردسالارانه
	حس تحت کنترل بودن	
نقش‌های جنسیتی	انعطاف ناپذیری نقشی	برونی و ناشی از تعریف و توزیع نابرابر نقش‌های اجتماعی
	تبعیض شغلی	
	اشتغال نامولد و بی‌اثر	
	نقش‌های تثبیت شده	
فقدان هویت اثرگذار	ناتوانی و تسلیم در تغییروضع	درونی و ضعف در خودپنداره خود
	بی‌ارادگی	
	تقدیرگرایی	

منبع: نگارنده



ترسیم شبکه مضامین

۹. یافته‌های پژوهش

الف) سیمای پاسخگویان

یافته‌های توصیفی بر حسب سطح تحصیلات زنان زندانی بیسواد، ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان، دیپلم و فوق دیپلم و لیسانس به ترتیب ۱۶/۲۲، ۱۷/۷۳، ۲۰/۳۷، ۵/۶۶، ۲۷/۹۲، ۴/۱۵ و ۶۷/۷۹ هستند. بر حسب وضعیت تاهل زنان متأهل ۶۹/۴۳ درصد پاسخگویان، زنان مجرد ۱۶/۲۲ درصد، زنانی که جدا از همسر خود زندگی می‌کنند ۱۰/۹۴ درصد و زنانی که همسرانشان فوت کرده ۳/۴۰ درصد از جمعیت حجم نمونه را به خود اختصاص داده‌اند. بر حسب نوع جرم پاسخگویان کمترین فراوانی مربوط به جرایم دارویی و غذایی، جرایم نظامی و انتظامی، ضدیت با حقوق و تکالیف خانوادگی، تخریب اموال، علیه دین و مقدسات و اخلال در نظم اقتصادی می‌باشد که برای هر کدام از موارد ۳۷/ درصد و بیشترین فراوانی نیز مربوط به جرائم منافی عفت و غیراخلاقی است که ۲۳/۷۷ درصد از پاسخگویان را شامل می‌شود. بر حسب سابقه زندان، به ترتیب برای سابقه‌دارها و بی-سابقه‌ها ۳۰/۵۷ و ۶۹/۴۳ درصد از پاسخگویان را دربر می‌گیرند.

ب) توصیف ویژگی متغیرهای پژوهش

جدول زیر برخی آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۸- برخی آماره‌های توصیفی متغیرهای مستقل و وابسته

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	سطح اطمینان	سطح معناداری
مدیریت خانواده	۱۸/۷	۸/۶۹	۰/۰۵۲	۰/۰۲۰
نقش‌های جنسیتی	۱۷/۴	۲/۴۰	۰/۰۶۳	۰/۰۴۰
هویت تکامل نیافته	۱۹/۰	۵/۰۱	۰/۰۵۸	۰/۰۴۱
مشارکت غیررسمی	۱۹/۳	۹/۷۲	۰/۰۴۹	۰/۰۳۱
هویت جنسی	۱۷/۷	۳/۴	۰/۰۵۷	۰/۰۱۰

۰/۰۵۱	۰/۰۴۸	۴/۶	۱۶/۴	حریم شخصی
۰/۰۰۱	۰/۰۵۱	۳/۲	۱۸/۴	هویت اثرگذار
۰/۰۲۱	۰/۰۶۱	۹/۸	۲۱/۱	بازگشت به زندان

همانگونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود، آزمون نرمال بودن متغیرها مورد تایید است. با توجه به sig یا سطح معناداری متغیرهای مورد نظر از ۰/۰۵ می‌باشد، نشان‌دهنده نرمال بودن آزمون و بهره‌گیری از آزمون پارامتریک می‌باشند. میزان آزمون نرمال بودن نیز برای متغیرها پراکندگی بالای را نشان نمی‌دهد و نشان می‌دهد که شرایط برای تحلیل‌های آماری مناسب وجود دارد.

۱۰. آزمون فرضیات

۱. به نظر می‌رسد بین سطح تحصیلات زنان و چرخه بازگشت به زندان تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۹- نتایج آزمون تفاوت بازگشت به زندان بر حسب سطح تحصیلات (بر اساس آزمون F)

سطح معناداری	مقدار f	انحراف معیار	میانگین	فراوانی	وضعیت تحصیلات	متغیر وابسته	متغیر مستقل
۰/۴۰۲	۰/۴۵۶	۱۹/۳	۷۹	۴۳	بیسواد	بازگشت به زندان	سطح تحصیلات
		۱۹/۵	۸۲	۴۷	ابتدایی		
		۱۴/۳	۹۱	۵۴	راهنمایی		
		۱۳/۷	۹۳	۱۵	دبیرستان		
		۱۴/۰	۹۰	۷۴	دیپلم		
		۱۲/۹	۸۹	۱۱	فوق دیپلم		
		۱۰/۰	۷۳	۱۸	لیسانس		
		۱۰/۷	۶۸	۳	فوق لیسانس		

بر اساس نتایج جدول بالا و مطابق با نتایج به دست آمده از آزمون لون با توجه به سطح معناداری که برابر با (۰/۴۰۲) است، می‌توان گفت که از آنجایی که سطح معنی‌داری آزمون کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، فرض تفاوت میانگین گروه‌ها تایید می‌شود و در مقابل فرض یکسانی آماری آن‌ها تایید نمی‌شود. همانطور که در ستون مربوط به میانگین نیز مشاهده می‌شود، تفاوت‌هایی نیز در میانگین گروه‌های مختلف تحصیلی مشاهده می‌شود که این تفاوت در بین لیسانس و فوق لیسانس با سایر میانگین‌ها مشهود است. بنابراین، سطح تحصیلات با چرخه بازگشت به زندان رابطه دارد.

۲. به نظر می‌رسد بین وضعیت اشتغال و چرخه بازگشت به زندان تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۱۰- نتایج آزمون تفاوت بازگشت به زندان بر حسب وضعیت اشتغال (بر اساس آزمون F)

سطح معناداری	مقدار f	انحراف معیار	میانگین	فراوانی	وضعیت اشتغال	متغیر وابسته	متغیر مستقل
۰/۱۳۴	۰/۳۵۶	۸۳	۴۲	۱۵	کارمند	بازگشت به زندان	وضعیت اشتغال
		۱۹/۵	۸۲	۴۱	شغل آزاد		
		۱۴/۳	۹۱	۸۶	بیکار		
		۱۳/۷	۷۳	۱۰۱	خانه دار		
		۱۱/۱	۵۴	۲۲	سایر		

بر اساس نتایج جدول بالا و مطابق با نتایج به دست آمده از آزمون لون با توجه به سطح معناداری که برابر با (۰/۱۳۴) است، می‌توان گفت که از آنجایی که سطح معنی‌داری آزمون کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، فرض تفاوت میانگین گروه‌ها تایید می‌شود و در مقابل فرض یکسانی آماری آن‌ها رد می‌شود. بدین معنی که همه گروه‌ها از نظر میانگین نمره مورد نظر با بقیه تفاوت دارند. همانطور که در ستون مربوط به میانگین نیز مشاهده می‌شود، تفاوت محسوسی در میانگین گروه‌های مختلف تحصیلی مشاهده می‌شود. که در این تفاوت برای کارمندا ۴۲، برای شغل آزاد ۸۲، برای بیکارها ۹۱، برای خانه‌دارها ۷۳ و برای سایر نیز ۵۴ می‌باشد.

۳. به نظر می‌رسد بین نوع جرم و چرخه بازگشت به زندان تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۱۱- نتایج آزمون تفاوت بازگشت به زندان بر حسب نوع جرم (بر اساس آزمون F)

متغیر مستقل	متغیر وابسته	نوع جرم	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار f	سطح معناداری
نوع جرم	بازگشت به زندان	مواد مخدر و روانگردان	۳۸	۴۳	۱۹/۳	۰/۳۰۱	۰/۷۰۱
		سرقت	۵۷	۴۰	۱۹/۵		
		جرایم منافی عفت و غیراخلاقی	۶۳	۴۸	۱۴/۳		
		جرایم علیه اشخاص	۵۸	۵۳	۱۳/۷		
		جرایم علیه آسایش عمومی	۲۷	۳۹	۱۱/۱		
		جعل و تزویر	۴	۳۱	۱۲/۴		
		اخلال در نظم اقتصادی	۱	۲۹	۱۵/۴		
		اخلال در اموال و مالکیت	۱۸	۳۵	۱۳/۶		
		علیه دین و مقدسات	۱	۳۰	۱۵/۲		
		تخریب و تحرق اموال	۱	۳۰	۹/۸		
		ضدیت با حقوق و تکالیف خانوادگی	۱	۲۸	۱۰/۳		
		اقدام علیه امنیت کشور	۱	۲۶	۱۸/۳		
		جرایم نظامی و انتظامی	۱	۲۸	۱۲/۴		
		محکومیت حقوقی مالی	۳۹	۴۵	۱۷/۶		
		جرایم دارویی و غذایی	۵	۴۳	۱۱/۱		

بر اساس نتایج جدول بالا و مطابق با نتایج به دست آمده از آزمون لون با توجه به سطح معناداری که برابر با (۰/۷۰۱) است، می‌توان گفت که از آنجایی که سطح معنی‌داری آزمون بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد، فرض تفاوت میانگین گروه‌ها رد می‌شود و در مقابل فرض یکسانی آماری آن‌ها تأیید می‌شود. بدین معنی که همه گروه‌ها از نظر میانگین نمره مورد نظر با بقیه فرق آنچنانی ندارند. همانطور که در ستون مربوط به میانگین نیز مشاهده می‌شود، تفاوت

آنچنانی در میانگین نوع جرم‌ها مشاهده نمی‌شود. بنابراین، نوع جرم تاثیر آنچنانی در چرخه بازگشت به زندان ندارد.

۴- به نظر می‌رسد بین درآمد زنان و چرخه بازگشت به زندان رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۱۲- نتایج آزمون تفاوت بازگشت به زندان بر حسب درآمد (بر اساس آزمون ضریب همبستگی پیرسون)

نتیجه	معناداری (sig)	ضریب همبستگی پیرسون	تعداد	درآمد و بازگشت به زندان
تایید	.۰۱۰	-.۳۱	۲۶۵	

ضریب همبستگی بین درآمد و بازگشت به زندان $-.۳۱$ است. سطح معناداری نیز $.۰۱۰$ می‌باشد. این دو آماره نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین دو متغیر مفروض وجود دارد، زیرا سطح معناداری از میزان مفروض $.۰۵$ کمتر است. افزون بر این، این رابطه مثبت و منفی است. به این معنا هرچه درآمد بالاتر باشد، بازگشت به زندان پایین‌تر است و بر عکس. درآمد بالاتر به دلیل ایجاد بسترهای مناسب برای خوداظهاری و بالابردن سرمایه فرهنگی و نمادین باعث می‌شود احتمال ارتکاب جرم و به تبع آن بازگشت به زندان پایین‌تر بیاید.

۵- به نظر می‌رسد بین سن زنان و چرخه بازگشت به زندان رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۱۳- نتایج آزمون تفاوت بازگشت به زندان بر حسب سن زنان (بر اساس آزمون ضریب همبستگی پیرسون)

نتیجه	معناداری (sig)	ضریب همبستگی پیرسون	تعداد	سن زنان و بازگشت به زندان
تایید	.۰۰۰	-.۳۰	۲۶۵	

جدول فوق نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین دو متغیر وجود دارد. سطح معناداری کمتر از میزان $.۰۵$ است. جهت رابطه نیز معکوس و شدت آن متوسط است. بنابراین، هرچه سن بالاتر رود، بازگشت به زندان نیز کمتر می‌شود.

۶- به نظر می‌رسد بین مدیریت خانواده و چرخه بازگشت به زندان رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۱۴- نتایج آزمون تفاوت بازگشت به زندان بر حسب سن زنان (بر اساس آزمون ضریب همبستگی پیرسون)

نتیجه	معناداری (sig)	ضریب همبستگی پیرسون	تعداد	مدیریت خانواده و بازگشت به زندان
تأیید	.۰۰۲	-.۳۳	۲۶۵	

نتایج آزمون پیرسون نشان می‌دهد که رابطه مثبت و معناداری بین مدیریت خانواده و بازگشت به زندان وجود دارد. ضریب همبستگی بین این دو متغیر $-.۳۳$ و سطح معناداری ۰.۰۰۲ می‌باشد. این مقدار از میزان مفروض $۰/۵$ کمتر است. بنابراین، هرچه مدیریت خانواده سست تر باشد، بازگشت به زندان نیز بیشتر می‌شود و برعکس مدیریت مقتدرانه و درست بازگشت به زندان را کاهش می‌دهد. خانواده با ایجاد بسترهای برای جامعه‌پذیری و ادغام اجتماعی زنان شرایط مناسبی ایجاد می‌کند که بتوانند هویت‌سازی کنند و با معناسازی تدریجی، مقدمات خودشکوفایی خود را پیدا کنند.

جدول ۱۵- نتایج آزمون رابطه بین متغیرهای مستقل با چرخه بازگشت به زندان بر اساس آزمون R پیرسون

متغیر مستقل	متغیر وابسته	مقدار R پیرسون	سطح معناداری	جهت رابطه	شدت رابطه	نتیجه فرضیه
سن مدیریت خانواده نقش‌های جنسیتی هویت تکامل نیافته مشارکت اجتماعی غیررسمی هویت جنسی هویت اثرگذار	چرخه بازگشت به زندان	۰/۳۰	۰/۰۰۰	مثبت	-	تأیید فرضیه
		$-۰/۳۳$	۰/۰۰۲	منفی	متوسط	تأیید فرضیه
		$-۰/۳۷$	۰/۰۰۰	منفی	متوسط	تأیید فرضیه
		$-۰/۳۰$	۰/۰۰۰	منفی	متوسط	تأیید فرضیه
		$-۰/۳۹$	۰/۱۰۰	منفی	ضعیف	تأیید فرضیه
		۰/۳۴	۰/۰۱۲	مثبت	متوسط	تأیید فرضیه
		$-۰/۳۶$	۰/۰۰۱	منفی	-	تأیید فرضیه

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که با توجه به سطح معناداری آزمون پیرسون ($۰/۰۰۰$)، بین سن با چرخه بازگشت به زندان رابطه معناداری وجود دارد. همچنین بین مدیریت خانواده با چرخه بازگشت زنان به زندان با توجه به سطح معناداری آزمون پیرسون ($۰/۰۰۰$)،

رابطه معناداری وجود دارد. نوع رابطه منفی و شدت رابطه بین دو متغیر متوسط است، بدین معنی هرچه مدیریت خانواده سست تر باشد، بازگشت زنان به زندان نیز بیشتر می‌شود و برعکس مدیریت مقتدرانه و درست بازگشت به زندان را کاهش می‌دهد. بین نقش جنسیتی با چرخه بازگشت زنان به زندان با توجه به سطح معناداری آزمون پیرسون (۰/۰۰۰)، رابطه معناداری وجود دارد. نوع رابطه منفی و شدت رابطه بین دو متغیر در حد متوسط است، بدین معنی که هرچه نقش‌های جنسیتی سستی‌تر و تکراری باشند، احتمال اینکه بازگشت به زندان رخ دهد بیشتر است. نقش‌های جنسیتی با ایجاد آمریت و نیز ریشه در شرایط اجتماعی، وضعیتی ایجاد می‌کنند که احتمال طرد را بالاتر می‌کند و در طولانی مدت منجر به چرخه بازگشت به زندان می‌شود. با توجه به سطح معناداری آزمون پیرسون (۰/۰۰۰)، بین هویت تکامل نیافته با چرخه بازگشت به زندان رابطه معناداری وجود دارد. نوع رابطه منفی و متوسط است، بدین معنی هراندازه هویت تکامل نیافته‌تر باشد، بازگشت به زندان بیشتر است. نددذلبیض^۲ نددذلب^۳ هویت و منشی که فرد در اجتماع کسب می‌کند مسیر روابط اجتماعی او را مشخص می‌سازد. اگر این هویت همراه با انگ‌های نامناسب باشد، مسیر طرد را هموار می‌کند و با احتمال ارتکاب جرم ناشی از فشارهای اجتماعی بازگشت به زندان را مضاعف می‌کند.

بین مشارکت غیررسمی با چرخه بازگشت به زندان با توجه به سطح معناداری آزمون پیرسون (۰/۱۰۰)، رابطه معناداری وجود دارد. جهت رابطه منفی و شدت رابطه متوسط است، مشارکت با فرایند درگیری عاطفی و عینی فرد در جامعه و امور محله فرد را دائماً بازتولید و با ایجاد سرمایه اجتماعی، حمایت اجتماعی را به ارمغان می‌آورد و از طرد جلوگیری می‌کند. به این اعتبار، هرچه مشارکت اجتماعی زنان بیشتر باشد بازگشت به زندان آنها به همان میزان کمتر می‌شود.

بین هویت جنسی با چرخه بازگشت به زندان با توجه به سطح معناداری آزمون پیرسون (۰/۰۱۲)، رابطه معناداری وجود دارد. جهت رابطه منفی و متوسط است، هویت جنسی وابسته فرد را در موقعیت فرودستی ذهنی قرار می‌دهد و در اثر تداوم این فرودستی شرایط ایجاد خودپنداره ضعیف را فراهم می‌سازد و با ایجاد سبک‌های شناختی نامطمئن فرد را به سوی انزواء و خودحاشیه‌سازی سوق می‌دهد.

در آخر با توجه به سطح معناداری آزمون پیرسون که برابر با (۰/۰۰۱) می‌باشد، بین هویت اثرگذار با چرخه بازگشت به زندان رابطه معناداری وجود دارد. جهت رابطه منفی و

شدت آن متوسط است. هویت اثرگذار عاملیت فرد را نشان می‌دهد که در لوای آن فرد پذیرش اجتماعی داشته و می‌تواند خود را تعریف کند. لذا، داشتن یک هویت مثبت و کارا فرد را در فرایند ادغام یاری کرده و با کاهش انگاره‌های نامطلوب فردی و اجتماعی طرد اجتماعی را کاهش و در نتیجه بازگشت به زنان را کاهش می‌دهد.

جدول ۱۶- تحلیل رگرسیونی عوامل طرد و چرخه بازگشت به زندان

متغیر	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	بتا	بتای استاندارد شده	سطح معناداری
مدیریت خانواده و بازگشت به زندان	.۳۳	.۳۰	.۲۸	.۳۵	.۳۴	.۰۰۱
نقش‌های جنسیتی و بازگشت به زندان	.۳۴	.۳۱	.۲۸	.۳۲	.۳۰	.۰۱۱
هویت تکامل نیافته و بازگشت به زندان	.۳۹	.۴۱	.۳۷	.۳۸	.۳۶	.۰۰۰
مشارکت غیررسمی و بازگشت به زندان	.۳۲	.۳۱	.۳۰	.۳۵	.۳۳	.۰۱۰
هویت جنسی و بازگشت به زندان	.۳۴	.۳۰	.۲۸	.۳۳	.۲۷	.۰۰۰
حریم شخصی و بازگشت به زندان	.۳۰	.۳۸	.۳۸	.۴۱	.۳۸	.۰۲۱
هویت اثرگذار و بازگشت به زندان	.۴۱	.۴۲	.۳۶	.۳۹	.۳۶	.۰۱۰

جدول فوق تحلیل رگرسیونی متغیرهای مورد مطالعه است. شیوه ورود متغیرها به صورت Enter بود که اثر هر کدام را به صورت جداگانه نشان می‌دهد. این متغیرها به صوت گام به گام وارد شدند تا اثرات آنها و قابلیت تبیین هر کدام به صورت مستقل مشخص گردد. در گام اول متغیر مدیریت خانواده وارد معادله شده که ۲۸ درصد تغییرات متغیر وابسته را می‌تواند تبیین کند سپس در گام دوم متغیر نقش‌های جنسیتی با ضریب تعیین ۳۱ است که در حالت تعدیل شده به ۲۸ می‌رسد. این ضریب تعدیل شده نشان می‌دهد که متغیر مستقل مورد نظر می‌تواند به تنهایی ۲۸٪ را تبیین کند. متغیر سومی که وارد معادله رگرسیونی شد، هویت تکامل نیافته است که ضریب تعدیل شده آن ۳۷٪ است که نشان می‌دهد که این متغیر می‌تواند ۳۷٪ از متغیر وابسته را تبیین کند. مشارکت غیررسمی متغیر دیگری است که وارد تحلیل رگرسیونی مورد نظر شده است. ضریب تعیین آن در

حالت تعدیل شده برابر ۳۰. است که نشان می‌دهد متغیر موردنظر ۳۰. از متغیر وابسته را تبیین می‌کند. متغیر بعدی که وارد تحلیل رگرسیونی شد هویت جنسی است. ۲۱. درصد از متغیر وابسته توسط این متغیر قابل تبیین است. در تحلیل رگرسیونی حریم شخصی ۳۸. از متغیر وابسته توسط متغیر مستقل موردنظر قابل تبیین است. در نهایت متغیر هویت اثرگذار وارد معادله رگرسیونی شد. ضریب تعیین در حالت استاندارد به ۳۶. می‌رسد. این نشان می‌دهد که متغیر موردنظر خود به تنهایی و بدون تاثیر سایر متغیرها و متغیرهای کاذب، ۳۹. از متغیر وابسته را تبیین می‌کند.

۱۱. نتیجه‌گیری

بررسی وضعیت زنان در جوامع مختلف نشان می‌دهد با وجود دستاوردهایی که در خصوص بهبود زندگی انسان‌ها حاصل شده است، هنوز نشانه‌های محکمی وجود دارد که بیانگر فروتری منزلت اجتماعی زنان است و این جایگاه با پیشینه مجازات حس تشدید هم می‌شود. باتوجه به فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر یک جامعه، طرد اجتماعی برای زنان می‌تواند پیامدهای زیان‌بارتری نسبت به مردان داشته باشد. این مطالعه با تاسی از مبانی نظری و مفهومی این حوزه به بررسی این مسئله پرداخت که عوامل اجتماعی طرد زندانیان زن در زندان‌های استان لرستان کدامند و اثرات این طرد بر بازگشت مجدد آنان به زندان چگونه است.

تاکید مضاعف بر شبکه‌ها و ضعف در شکل‌دهی به پیوندها یافته اصلی این مطالعه است که رویکرد شبکه‌های اجتماعی و طرد را تایید می‌کند. مشخصه‌های روابط در شبکه به‌عنوان شاخص‌های میزان همبستگی به کار می‌آیند. عوامل مهم، سهم‌بودن در بین خانواده و خویشان و اقوام، دوستان، نزدیکی افراد به گروه، شرکت در فعالیت‌های گروه و ... می‌باشد. فرض کلی این است که میزان نزدیکی یا تجانس می‌تواند چیزی درباره ادغام فرد در گروه بگوید، بنابراین از خطر احساس طرد نسبت به آن گذر کند. این رهیافت فرضیه‌های شبکه‌های غیررسمی، ضعف در مدیریت خانواده و نقش‌های جنسیتی را تایید و پشتیبانی می‌کند؛ افزون بر این، با رویکرد هویت، جنسیت و طرد نیز هماهنگی و همسویی وثیقی دارد. فرضیات هویت جنسی، هویت تکامل نیافته، هویت‌اثرگذار و حریم شخصی و حتی نقش‌های جنسیتی را مورد حمایت قرار می‌دهد.

هویت و هویت جنسیتی، یک اصل سازمان‌دهی در همه سیستم‌های اجتماعی از جمله خانواده است و موقعیتی قانونی دارد. روابط جنسیتی و زندگی اجتماعی زنان، به گونه‌ای درهم تنیده می‌شوند که درک و بررسی یکی، بدون توجه به دیگری غیرممکن و ناقص است. هویت و هویت جنسیتی در فرایندی مستمر ساخته می‌شوند که خود خودپنداره خاصی بر زنان تحمیل می‌کند که می‌تواند فرآیند ادغام و یا برعکس طرد زنان را رقم بزند. نقش‌ها (موقعیت‌های تعیین شده که ما آنها را حفظ می‌کنیم مانند زن، شوهر، پدر و مادر)، در زمینه خاصی یاد گرفته و نهادینه می‌شوند. در این زمینه است که مرد و زن نقش جنسیتی را روزانه در تعاملاتشان بروز می‌دهند، ایجاد و تقویت می‌کنند و زمینه‌های بروز طرد و ارتکاب جرم را هموار می‌سازند.

علاوه بر همسویی چارچوب نظری با فرضیات تحقیق، همسویی با تحقیقات پیشین نیز مشاهده می‌شود. این تحقیق، مطالعه یعقوبی و علمی (۱۳۹۵) را تایید می‌کند که بر حمایت و توجه خانواده و پذیرش در جامعه بدون هرگونه برچسب تاکید دارند. در حالت کلی، نیز با مطالعه وروایی و وروایی (۱۳۹۵) همسو است که استدلال می‌کند که ارتکاب مجدد جرم رابطه معناداری با طرد اجتماعی زنان دارد. فرضی زاده (۱۳۹۳) در مطالعه خود تاکید می‌کند که نگاه‌ها و حرف‌های طعنه‌آمیز، تحقیرآمیز و ترحم‌سایرین، گسترش شایعات، تبعیض وابستگی، شرمساری، سرزنش، احساس تنهایی، ترس، افسردگی و نگرانی درباره آینده برخی مسائل این دسته از زنان و دختران است. این روند، پیامدهای مانند انزوا، ضعف روابط اجتماعی با افرادی خارج از دایره خانواده و خویشاوندان، عدم حضور در اجتماع به منظور شرکت در مراسم، اشتغال، یادگیری مهارت و گذراندن اوقات فراغت را به دنبال دارد. ضعف در مشارکت اجتماعی و نیز فقدان هویت اثرگذار منجر به ناکامی در ادغام اجتماعی و پذیرش خود توسط دیگری می‌شود. مبارثو گن و نُو کورتی و ماریا رامل دیاز (۲۰۱۳) سطح تحصیلات و شبکه‌های اجتماعی آنها را در وضعیت فعلی افراد در میزان ادغام در جامعه موثر می‌دانند. این یافته با فرضیات شبکه‌های اجتماعی و سطح تحصیلات در مطالعه ما همسو است.

بیلز و میرز (۲۰۰۸)؛ ریچارد جونز (۲۰۱۴)؛ گرانت دوو و والر کلاک (۲۰۱۱) برقرار نگه داشتن پیوند با اطرافیان، ایجاد حمایت اجتماعی یکپارچه و فراهم کردن زمینه مناسب برای انتقال صحیح زندانیان به جامعه، نیاز یک مجرم سابقه دار به حمایت اجتماعی در جامعه تاکید دارند. این یافته با فرضیه نقش‌های جنسیتی همسو است. تاکید بر حمایت از

طریق نقش‌های متفاوت می‌تواند شرایط بازتولید اجتماعی زنان زندان را بالا ببرد و زمینه‌های مشارکت اجتماعی و سلامت اجتماعی آنها را بالا ببرد.

زارع و بلگوریان (۱۳۹۳) نشان می‌دهند که میان طرد شدگی و میزان درآمد خانواده و نوع شغل پدر و بزهکاری رابطه معناداری مشاهده شد. همچنین، هرچه احساس طردشدگی بیشتر شود بر میزان بزهکاری افزوده می‌شود. این امر فرضیات اشتغال در مطالعه حاضر را تایید می‌کند، اما با تحقیق قلخان‌باز و همکاران (۱۳۹۱) همسو نیست. فرضیه مدیریت خانواده با مطالعه ملک‌میان و شریفیان (۱۳۸۸) و اسمیت و مک‌کارتی (۲۰۱۶) زندانیانی که روابط خانوادگی نابسامان و ازهم‌گسیختگی خانوادگی را در ارتکاب جرم زنان معنادار می‌بینند، همسو است. معظمی و همکاران (۱۳۹۴)، نیز نشان می‌دهد که هر چه میزان پذیرش زندانی از سوی خانواده و محیط اجتماعی پس از آزادی کمتر باشد امکان بازگشت مجدد بیشتر خواهد بود. این یافته با فرضیه حریم شخصی کاملاً همسو است. که هرچه حریم شخصی و استقلال فرد مورد تجاوز قرار بگیرد بازگشت به زندان بیشتر است. صادقی فسایی و میرحسینی (۱۳۹۶) بر این باورند که بسیاری از این زنان، در زمینه مسائلی مانند پذیرش در خانواده و اتصال به شبکه‌های اجتماعی با چالش مواجه‌اند. این یافته با فرضیات مدیریت خانواده و مشارکت اجتماعی همسو است و این مطالعه را تایید می‌کند و نیز مطالعه رمزومی و فریدنبرگ (۲۰۱۴) و برگ و هوبنر (۲۰۱۱) را تایید می‌کند که اثبات می‌کنند ضعف ارتباطات با کیفیت و انفصال و جدایی و قطع ارتباط این افراد با جامعه پیامدهای منفی بسیاری را در رابطه با طرد اجتماعی در پی دارد. وروایی و پرن‌داخ (۱۳۹۵) در برخی فرضیات تحقیق خود نشان دادند که بین احساس محرومیت، مشارکت اجتماعی و پایگاه اقتصادی با تکرار جرم ارتباط معنادار وجود دارد. این یافته با فرضیه محرومیت جنسی، مشارکت غیررسمی و درآمد، سطح تحصیلات و اشتغال زنان (که در مجموع شاخص پایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان را تشکیل می‌دهند) رابطه معنادار وجود دارد.

در مجموع، آنچه در نتیجه‌گیری قابل تحلیل است این که با تضادی دو سویه بین نقش‌های سنتی مدرن و سنتی روبرو هستیم. این تنگنای نقش‌ها خود در یک دور و تسلسل بر دگردیسی هویتی، بازنقش‌پذیری و تعدیل روابط پدرسالارانه موثر بوده و هست. آزادی و محدودیت ناشی از وضعیت دوگانه سنتی و مدرن، خود ایستارهای جدیدی خلق کرده که جلوه آن را می‌توان در ساختار بازی زنان استان به ضوح مشاهده کرد. ایستارهای سنتی در حال رنگ باختن هستند، اما الگوهای جدید به سهولت اجازه بازنمایی ندارد. از سویی زنان

درصدد پذیرش نقش‌های جدید هستند، اما از سوی دیگر ساختار حاکم اجازه هنرنمایی را به آنها نمی‌دهد. آثار این وضعیت خود را به صورت از صف خارج شدن، تضادخانوادگی، طلاق و ارتکاب جرم خود را نشان می‌دهد. تجاوز به حریم شخصی زنان به دلیل نظارت اجتماعی غیررسمی سخت، آنها را در باز خویشتن با سرخوردگی و ناکامی‌های متعدد روبرو ساخته است. بحران ناشی از این وضعیت که فرودستی جنسیتی آنها را نشان می‌دهد، انزوای اجتماعی و فقر فرهنگی را تعمیق می‌بخشد. خودحاشیه‌سازی و داشتن روابط پنهانی صرفاً جلوه‌های اندکی از از قضیه هستند. خودحاشیه‌سازی که بیشتر جلوه نوعی طرد خودانگیخته و ارادی است که ساختار حاکم بر آنها تحمیل می‌کند و نوعی خشونت نمادین است که دیگری بر آنها مسلط ساخته و هنجارها و ارزش‌های خود را بر آنها مقرر می‌دارد. به این اعتبار، پارادوکسی لاینحل رخ داده است که فرهنگ حاکم توان توقف و حل آن را ندارد. در این پارادوکس، خانواده آماج حملاتی قرار دارد که آنها را نهادزدا کرده است. حالتی رها و گم‌شدگی در حال ظهور است که اثرگذاری، بازتولیدهویتی، نقش‌پذیری و جامعه‌پذیری و حقوق و فرهنگ شهروندی رابطه اجتماعی پایدار با زنان را سست کرده و به خودی خود و به صورت ناخودآگاه مسیر حرکت به سوی طرد اجتماعی و ارتکاب جرم را در بین آنها هموار ساخته است.

پیشنهادات

توجه و تاکید بر منابع محلی و مشارکت‌های غیررسمی به منظور ادغام زنان زندانی امر مهمی است که باید در برنامه‌ها مورد توجه قرار بگیرد. خودشکوفایی و پذیرش اجتماعی از مجرای مشارکت اجتماعی میسر است، زیرا از طریق مشارکت است که ظرفیت‌ها و درگیری ذهنی و عینی آنها بیشتر شده و اصطکاک اجتماعی آنها با جامعه کاهش می‌یابد. زنان ابتدا باید در خانواده و محله مورد پذیرش قرار بگیرند. لذا برخلاف آن چیزی که تصور می‌شود که باید مهارت‌های ارتباطی زنان تقویت شود (که در جای خود درست و منطقی است)، باید با آگاهی‌بخشی اجتماع‌محور محله‌ای، مسیر پذیرش اجتماعی این نوع زنان را فراهم ساخت. زیرا با وجود بالارفتن مهارت‌های ارتباطی آنان و میل به مشارکت آنها، اگر ذهنیت اجتماعی در خصوص آنها مساعد و مطلوب نباشد، نمی‌توان آنها را در جامعه ادغام کرد.

خانواده پل ارتباطی بین فرد و جامعه است، زیرا یک نهاد است. در واقع، نهادهای اجتماعی رابط بین سطوح کلان و خرد اجتماعی هستند. در سیاست‌گذاری‌ها باید در مرحله اول خانواده را مهیای آموزش‌های چندگانه کرد تا بتوانند از طریق جامعه‌پذیری و نقش‌پذیری مانع طرد و انزوای افراد و اعضای خود شوند.

انجام مطالعه‌ای در خصوص نوع سبک‌های مدیریت خانواده و طرد و ارتکاب جرم لازم و ضروری است، زیرا به نظر می‌رسد که خانواده در استان لرستان در معرض تکانه‌های شدیدی قرار گرفته است و سبک اقتدارگرایانه و پدرسالارانه آن با تنش‌هایی روبرو است. این سبک علیرغم نابرابری‌هایی که ایجاد می‌کرد، اما انسجام‌بخش بود. ولی رخنه الگوهای دموکراتیک‌تر منجر به رهایی بیشتر زنان شده و خود مسیر ارتکاب جرم را در بین گروه‌های حذف‌شده از جمله زنان را بیشتر کرده است.

تعیین سبک مدیریتی خانواده و طرد اجتماعی زنان و در نتیجه ارتکاب جرم در بین آنها یک اولویت پژوهشی و سیاست‌گذارانه است. در حال حاضر با سبک‌های مدیریتی چندگانه‌ای روبرو هستیم که هر کدام الگوهای رفتاری متفاوتی بر زنان تحمیل می‌کنند. سبک سنتی و اقتدارگرانه پدرسالار، سبک رهاشده و سبک دموکراتیک از این سبک‌ها هستند. در حالت اول طرد زنان بیشتر است اما ارتکاب جرم به دلیل فشارهای خویشاوندی و پدرسالاری کمتر است. در حالت دوم، نابسامانی در خانواده زیاد است و زنان در ارتکاب جرم با نظارت کمتری روبرو هستند. این سبک معمولاً در خانواده‌های بدون همسر و یا همسر فوت شده بدتر جلوه دارد. در حالت سوم، با اینکه زنان در وضعیت بسامان‌تری هستند، اما در فرهنگ آن جامعه‌پذیری نشده‌اند و خود جلوه‌های از رهاشدگی نیز ایجاد می‌کند. لذا، در سیاست‌گذاری‌ها و پژوهش‌های آتی توجه به این تفاوت حائز اهمیت است.

پی‌نوشت‌ها

۱. به زبان محلی یعنی سرنوشتم سیاه و بد است.
۲. چمر به معنای عزا و چوبی به معنای عروسی و شادی است.
۳. به زبان محلی زنان مود مصاحبه یعنی دادو ستد غیررسمی بین همسایه‌ها که معمولاً ابزار آلات و مواردی از این دست از همسایه به عاریت گرفته می‌شود و متقابلاً در مواقع ضروری برخی از این چیزها را به همسایه نیازمند به عاریه می‌دهد.

کتاب‌نامه

- آرون، ریمون (۱۳۹۱)، مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، انتشارات علمی و فرهنگی.
- بلیک‌مور، کن (۱۳۸۵)، مقدمه‌ای بر سیاست‌گذاری اجتماعی، ترجمه علی اصغر سعیدی و سعید صادقی جقه، تهران: موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- رابرتسون، یان (۱۳۷۲) درآمدی بر جامعه‌شناسی با تاکید بر نظریه‌های کارکردگرایی ستیز و کنش متقابل، ترجمه حسین بهروان، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- رودگر، نرگس (۱۳۸۸)، *فمینیسم: نظریات، گرایش‌ها، نقد*، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- ریترز، جورج (۱۳۸۵)، «نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر» ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی، چاپ یازدهم.
- زارع‌شاه‌آبادی، اکبر و بلگوریان، مستانه (۱۳۹۳)، «بررسی رابطه طرد اجتماعی و بزهکاری در میان دانشجویان دختر دانشگاه یزد»، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۴، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، صص ۲۸۶-۲۶۵.
- زارع‌شاه‌آبادی، بلگوریان، مستانه (۱۳۹۳). بررسی رابطه طرد اجتماعی و بزهکاری در میان دانشجویان دختر دانشگاه یزد، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، س ۴، ش ۲، صص ۵۶-۵۰.
- زیرا، مارتین (۱۳۸۵). «نظریه‌های جامعه‌شناسی طردشدگان اجتماعی»، ترجمه سیدحسین حسینی، تهران: آن.
- سهیلا صادقی فسایی و زهرا میرحسینی (۱۳۹۶)، «زندگی پس از زندان؛ چالش‌های بازسازی برای زنان»، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال ششم، شماره پیاپی ۱۸، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۶، صص ۵۰-۳۱.
- فرضی‌زاده، زهرا (۱۳۹۳). «طرد اجتماعی دختران روستایی مجرد»، توسعه روستایی، دوره ششم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۳.
- فیتزپاتریک، تونی (۱۳۸۱)، «نظریه رفاه (سیاست اجتماعی چیست)»، مترجم هرمز همایون‌پور، تهران: موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- قاسمی‌نژاد، ابودر (۱۳۹۸)، «فهم معنای توسعه اجتماعی در بین حاشیه‌نشینان»، رساله دکترای رفاه اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم اجتماعی.
- قلخان‌باز، احمد، خزایی، سلمان، افشاری، مریم (۱۳۹۱). عوامل مرتبط با تکرار زندانی شدن در بین زندانیان شهر تویسرکان، مجله علمی پزشکی قانونی، س ۱۹، ش ۴، زمستان ۹۱.
- کوزر، لوئیس و روزنبرگ، برنارد (۱۳۹۲) نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.

کوزر، لیوئیس (۱۳۹۳)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی چاپ دهم.

گودرزی، محمدرضا (۱۳۸۲)، «نارسایی‌های زندان»، هیات و حقوق دانشگاه رضوی (آموزه‌های حقوقی) سال سوم پاییز و زمستان ۱۳۸۲ شماره ۹ و ۱۰، صص ۱۴۸ - ۱۰۵.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶)، *تجدد و تشخص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید)*، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.

گیدنز، آنتونی و بردسال، کارن (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی، مترجم حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.

مظاهری، مهرداد. خلیقی، نسرین. رقیبی، مهوش. سرابندی، حسن (۱۳۸۹)، شیوع اختلالات شخصیت در میان زندانیان زن زندان زاهدان، مجله تحقیقات علوم پزشکی زاهدان، دوره ۱۳، شماره ۳.

معظمی، شهلا و شیروی، مهسا و صالحی، معصومه (۱۳۹۴)، «تاثیر زندان بر تکرار جرم زنان»، نشریه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری (دانشنامه حقوق و سیاست)، بهار ۱۳۹۴، دوره ۱۱، شماره ۲۳، صص ۵۸-۳۹.

ملکمیان، لینا و شریفیان، سعید (۱۳۸۸)، «بررسی عوامل موثر بر جرم در زنان زندانی»، نشریه پژوهش اجتماعی، زمستان ۱۳۸۸، دوره دوم، شماره ۵، صص ۱۶۹-۱۴۳.

موسوی، میر نجف، سرور، رحیم، کبیری، افشار، اسماعیل زاده، خالد (۱۳۹۶)، تاثیر وام‌های اشتغال‌زایی بر ممانعت از تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان، فصلنامه هدایت و بازپروری، دوره ۱، شماره ۳.

مهدوی، محمدصادق و شریفی، منصور (۱۳۸۶)، «تاملی بر اختلاف پارادایمی روش‌های کمی و کیفی در علوم اجتماعی»، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۳، صص ۳۸۷-۴۱۶.

واس، دی.اس (۱۳۹۰)، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نائی، تهران: نشر نی.

وروایی، طاهره (۱۳۹۵)، «تاثیر طرد اجتماعی بر تکرار جرم زنان پس از آزادی از زندان»، فصلنامه انتظامی اجتماعی، سال ۸، شماره ۲، صص ۳۶-۳۰.

یعقوبی، محمد و علمی، محمود (۱۳۹۵)، «نقش عوامل خانوادگی و اجتماعی در بازگشت مجدد زندانیان به زندان، مجله مطالعات جامعه‌شناسی»، سال نهم، شماره سی و پنجم، صص ۱۸۰.

BALES, W.D.; MEARS, D.P. (2008): "Inmate Social Ties and the Transition to Society. Does Visitation Reduce Recidivism?", *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 45 (3), pp. 287-321.

BARREIRO GEN, M. Corti, Isabel Novo. Diaz, Maria Ramel (2013). "Employment, Education and Social Exclusion:

Becker, H. (1973). *Outsider studies in the sociology of Deviance*. New York; free press.

Berg, Mark T and Hueber, Beth M (2011) "Reentry and the Ties that Bind: An Examination of Social Ties, Employment, and Recidivism", *JUSTICE QUARTERLY VOLUME 28 NUMBER 2 (APRIL 2011)*.

- Cochran, J. (2014) "Breaches in the Wall: Imprisonment, Social Support, and Recidivism", *Journal of Research in Crime and Delinquency* 51(2):200-229 · March 2014.
- Denney, Andrew S. Tewksbury, Richard. Jones, Richard s. (2014). "Beyond Basic Needs: Social Support and Structure for Successful Offender Reentry", *Journal of Qualitative Criminal Justice & Criminology*, Vol. 2, No. 1 (April 2014): 39-67.
- Duwe, G and Clarc, V (2011). "Blessed Be the Social Tie That Binds: The Effects of Prison Visitation on Offender Recidivism ", Volume: 24 issue: 3, page(s): 271-296 Article first published online: December 6, 2011; Issue published: May 1, 2013.
- Smith (I), McCarthy (D). (2016). "THE EFFECTS OF PRISONER ATTACHMENT TO FAMILY ON RE-ENTRY OUTCOMES: A LONGITUDINAL ASSESSMENT", The Author 2016. Published by Oxford University Press on behalf of the Centre for Crime and Justice Studies (ISTD).